۲۲۹۴۳۶

نگاهی جامع بر ضرورت آموزش فلسفه و چالش‌های فراروی آن در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی

نویسندگان:

هانو رستمی

ویدا وپسی

www.ketab.ir

انتشارات زرنوشت

تهران ـ ۱۴۰۱

سرشناسه	:	رستمی، هانو ، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور	:	نگاهی جامع برضرورت آموزش فلسفه و چالش‌های فراروی آن در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی/ هانو رستمی، ویدا ویسی، ویراستار: عاطفه ابراهیمی
مشخصات نشر	:	تهران: زرنوشت، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	:	۱۷۰ ص.
شابک	:	۸ – ۳۵۰ – ۲۸۸ – ۶۲۲ – ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپای مختصر
یادداشت	:	فهرست‌نویسی کامل این اثر در http://opac.nlai.ir دسترس است.
شناسه افزوده	:	ویسی، ویدا ، ۱۳۵۶-
شناسه افزوده	:	ابراهیمی، عاطفه، ۱۳۷۱- ویراستار

www.ketab.ir

انتشارات زرنوشت

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی،
کوچه مهدی‌زاده، شماره ۲۷، واحد ۱۹
تلفن: ۰۹۰۲۴۸۶۸۹۵۶ - ۶۶۴۷۹۶۱۵- ۶۶۴۳۵۶۳۷
www.zarnevesht.com

نگاهی جامع برضرورت آموزش فلسفه و چالش‌های فراروی آن در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی

نویسندگان: هانو رستمی، ویدا ویسی

ویراستار: عاطفه ابراهیمی

• چاپ اول: ۱۴۰۱ • شمارگان: ۱۰۰ نسخه • ناشر: زرنوشت

شابک: ۸ – ۳۵۰ – ۲۸۸ – ۶۲۲ – ۹۷۸

قیمت: ۵۵,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار ۷

فصل اول : کلیات برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی ۱۱

مقدمه ۱۱

۱-۱- برنامه درسی ۱۲

۱-۱-۱ تعاریف مختلف از برنامه درسي از صاحب‌نظران ۱۵

۲-۱-۱- نقشهي برنامه‌ی درسی ۱۷

۳-۱-۱- عناصر برنامه درسی ۱۸

۴-۱-۱- برنامه درسی سندی مکتوب یا حوزه‌ای تخصصی و علمی ۱۸

۵-۱-۱- برنامههای درسی رسمي ۱۹

۶-۱-۱- برنامههای درسی غیررسمی ۲۰

۷-۱-۱- چارچوب نظری و سابقه برنامه درسی ۲۱

۱-۱-۸-بررسی مفهومی برنامه ریزی درسی و تقسیم بندی آن در دوره ابتدایی ۲۵

۱-۱-۹- اهمیت آموزش ابتدایي ۲۶

۱-۱-۱۰- اهداف آموزش و پرورش ابتدایي ۲۶

فصل دوم : کاربرد نظریه‌هاي فلسفي در تدوین برنامه‌ي درسی ۲۹

۱-۲-نظریه های فلسفی در راستای برنامه درسی ۲۹

۱-۲-۱- لاک ۲۹

www.ketab.ir

۱-۲-۲- روسو ۳۰
۱-۲-۳- کانت ۳۲
۱-۲-۴- هگل ۳۳
۱-۲-۵- فروبل ۳۵
۱-۲-۶- ديوني ۳۶
۱-۲-۷- نلسون ۳۹
۱-۲-۸- ويتگنشتاين ۴۰
۱-۲-۹- پياژه ۴۲
۱-۲-۱۰- ويگوتسكي ۴۷
۱-۲-۱۱- ليپمن ۴۸
فصل سوم: نگاهی انتقادی و ریشه‌ای به آموزش فلسفه در برنامه درسی ۵۱
۳-۱- نقد آموزش فلسفه در رویکرد لیپمن برای دانش آموزان ۵۱
سؤالات کودکان ۵۶
فلسفه‌ی آکادمیک ۵۶
۳-۲- حلقه‌ي كندوكاو مطابق با برنامه‌ي آموزش فلسفه برای دانش آموزان ۵۸
۳-۲-۱- ابزار حلقه‌ی کندوکاو ۶۳
۳-۲- تفکر در برنامه‌ی آموزش فلسفه برای دانش آموزان ۶۹
۳-۲-۱- معناي تفكر ۶۹
۳-۲-۲- انواع تفكر ۷۱
۳-۲-۲-۱- تفكر منطقي ۷۲
۳-۲-۲-۲- تفكر انتقادي ۷۴
۳-۲-۲-۳- تفكر خلاق ۸۰
۳-۲-۳- تفكر انتقادي و خلاق به عنوان هدف آموزشي ۹۳
۳-۲-۴- نقش معلمان در پرورش تفكر: ۹۴
فصل چهارم: ضرورت و چالش‌های آموزش فلسفه در برنامه ریزی درسی ۹۷

www.ketab.ir

مقدمه ای بر فصل ۹۷
۴-۱- نقش آموزش فلسفه بر رشد مهارت‌هاي استدلالي ۹۸
۴-۲- نقش آموزش فلسفه بر رشد مهارت‌هاي پژوهشي ۱۰۲
۴-۳- تاثير آموزش فلسفه بر رشد مهارت‌هاي تفكر انتقادي ۱۰۶
۴-۴- تاثير آموزش فلسفه بر رشد مهارت تفكر خلاق ۱۰۸
۴—۵- چالش هاي آموزش فلسفه در دوره ابتدایی ۱۱۸
۴-۶- نقاط قوت وضعف های آموزش فلسفه در برنامه ریزی درسی ۱۲۴
۴-۷- راهكارهاي استراتژيک جهت كاهش نسبيت گرايي در آموزش فلسفه ۱۲۷
۴-۸- راهكارهاي استراتژيک جهت محدوديت تفكر انتقادي در آموزش فلسفه ۱۳۱
۴-۹- راهكارهاي استراتژيک براي بومی سازي محتوا در آموزش فلسفه ۱۳۵
۴-۱۰- چالش هاي اجرای آموزش برنامه فلسفه در ایران ۱۳۸
۴-۱۰-۱- راهكارهاي استراتژيک در حل چالش هاي آموزش فلسفه درجامعه ۱۳۸
۴-۱۱- چالش و فرصت های آموزش فلسفه در آموزش و پرورش ۱۴۱
۴-۱۱-۱- معلم ۱۴۱
۴-۱۱-۱-۱-راهكارهاي استراتژيک براي حل چالش هاي معلمی در آموزش فلسفه ۱۴۱
۴-۱۱-۲- والدين ۱۴۳
۴-۱۱-۲-۱-راهكارهاي استراتژك براي حل چالش هاي والدين ۱۴۴
۴-۱۱-۳- فعاليت هاي دانشگاهی ۱۴۶
۴-۱۱-۳-۱- الگو ۱۴۶
فصل پنجم: جمع بندی ۱۴۷
۵-۱-جمع بندی مباحث ۱۴۷
فهرست منابع ۱۵۹

www.ketab.ir

پیشگفتار

نظام تعلیم و تربیت هر کشور را باید نه تنها به عنوان نهادي در نظر گرفت که وظیفه ي آن آموختن دانستني ها و تواناسازي کودکان امروز براي برآوردن نیازهاي فرداي آنهاست، بلکه یکي از اساسي ترین نهادها در شکل دادن و پرورش شیوه‌ي تفکر و فلسفه ورزي است .

برنامه‌هاي درسي باید قدرت و توانایي استدلال و تفکر را در دانش‌آموزان تقویت نموده، و به جاي انباشتن حقایق و عقایدي که پیشینیان بیان نموده اند، تقویت اندیشه ي فلسفي را در آنان مورد توجه قرار داده، بر توانایي دستیابي به دانایي و آگاهي، تأکید نماید. در دهه ۱۹۶۰ لیپمن با ارائه ي برنامه آموزش «فلسفه به کودکان» پارادایمي جدید در عرصه تعلیم و تربیت مطرح می نماید و به صورت رسمي، آموزش مهارت هاي تفکر فلسفي در مورد کودکان، حتی پیش از ورود به دبستان را ممکن تلقي مي کند. وي با ارائه ي الگوي جدید خود، مدارس را از «حافظه محوري» و حفظ طوطي وار به سمت الگوهاي بنیادین سوق داد .لیپمن معتقد است که کودکان به طور طبیعي فیلسوف هستند؛ زیرا به جهان، با شگفتي و کنجکاوي مي نگرند. به نظر او بچه‌ها فلسفه ورزي را با پرسیدن معني کلمات و « چرا » آغاز مي‌کنند. وي براي پیگیري ایده اي که به ذهنش رسیده بود، فعالیت هایی را آغاز کرد که از جمله ي آنها نوشتن کتب متعدد در حیطه هاي استدلال و تفکر، فلسفه‌ي طبیعت، شناخت شناسي و منطق، اخلاق، فلسفه هنر و فلسفه‌ي اجتماعي براي گروه هاي سني مختلف و به صورت داستان بود. در این برنامه، اهداف مهمي دنبال مي‌شود و ارزش هاي عمیقي را نیز در بردارد؛ تفکر مستقل، قضاوت مستقل، افتخار به برداشت‌هاي شخصي، افتخار به داشتن دیدگاه فردي، تواضع علمي، ژرف نگري، نظم و احترام به دیگران از جمله این ارزش هاست. این برنامه، از یکسو مي‌تواند رویکرد جدیدي در مواجهه با بحران عقلانیت ناشي از پست مدرنیسم به حساب آید، رویکردی که برحسب آن همانگونه که لیپمن خود تصریح می‌کند، «پرورش عقلانیتي است که با داوري درست آبدیده شده باشد» (ناجي، ۱۳۸۷، ۱۳۰).

ممکن است پرسیده شود که فهم مفهوم فلسفه یا ارائه ي مفهومي از آن چه ارتباطي با آموزش فلسفه دارد؟ آیا مفهوم فلسفه ي کودک نوعي ضد و نقیض گویي نیست؟ آیا نباید کودکي و فلسفه

www.ketab.ir

را بسیار دور از یکدیگر تلقي کرد؟

گریگوري[1]، در مصاحبه خود با ناجي بیان مي کند: «فلسفه به پرورش تفکر برتر مي‌پردازد. یکي از قدیمي‌ترین شاخه‌هاي فلسفه، منطق است که شامل منطق غیرصوري یا تفکر انتقادي نیز می‌شود. اکثر فیلسوفان متأخر توجهشان را به اهمیت تفکر خلاق جلب کرده‌اند و ما نیز در برنامه‌ي فلسفه براي کودکان، بر آنچه تفکر مسئولانه نامیده می شود، تأکید مي‌کنیم. منظور ما از فلسفه در این برنامه، کندوکاو فلسفي است که دربردارنده‌ي راهبردهایي براي تفکر، به صورت نقادانه، خلاقانه و مسئولانه است.».

برنامه‌ي «فلسفه براي کودکان» در ایران باید مورد توجه قرار گیرد، چون فرهنگ ایراني و دین اسلام، همیشه بر امر تفکر و تعقل تأکید فراوان داشته است و کنار گذاشتن تفکر و تعقل را معادل رها کردن سرنوشت خود و در نهایت، نزول به مقام حیواني و نابودي تلقي کرده است. از این رو طبیعتا تعلیم و تربیت اسلامي نیز براي آموزش تفکر از دوران کودکي اهمیت قائل شده است و انسان آرماني خود را انسان متفکري مي داند که مسئولیت زندگي و کارهاي خود را بر عهده می‌گیرد و با دقت و تأمل در افعال، وجود و جهان اطراف خود بر حقایق مهمتري دست مي‌یابد. تأکید این الگو در ایران بیشتر بر بازگرداندن تفکر به آموزش و پرورش و نظام آموزشي و احیاي برنامه‌ي آموزش تفکر در مدارس است، همچنین بازگرداندن آموزش و پرورش از حافظه محوري به تأمل محوري و جایگزین «تقویت قدرت قضاوت و داوري» به عنوان هدف تعلیم و تربیت به جاي

تقویت صرف قدرت حافظه ي دانش‌آموزان»، از انقلابي ترین اقداماتي است که این برنامه به عنوان یکی از اهدافش دنبال مي‌کند. مسئله این است که مدارس فعلی ما فاقد برنامه های لازم برای آموزش تفکر و آموزش نحوه ی صحیح استدلال هستند. این در حالی است که نظام فعلی آموزش و پرورش کشور ما بیش از نظام های آموزشی ممالک دیگر از این نقصان در رنج است. آنچه که نگرانی را افزون می‌کند، عدم وجود دورنمایی امیدوار کننده است. تأکید بر حجم روزافزون اطلاعات در مدارس فرصتی برای تأمل و تفکر درباره ی محتوای آن اطلاعات باقی نمی‌گذارد و لذا پیش بینی می‌شود که ما همچنان مصرف کننده ی تولیدات علمی دیگران باقی

1. Gregory

www.ketab.ir

بمانیم و این در حالی است که در دنیای رقابت آمیز آینده جز با داشتن سرمایه های دانش و دانشمند نمی‌توان انتظار موفقیتی داشت. آموزش و پرورش در غرب اخیرا در حال تجدید سازمان خود براساس محوریت یافتن آموزش تفکر انتقادی و روش‌های صحیح استدلال و تفکر است، و نظام آموزشی کشور ما نه تنها هنوز به درک این مهم نائل نیامده، بلکه همه ی قرائن نشان دهنده ی این واقعیت تلخ است که متأسفانه کماکان از این طرح سازنده و ضروری فاصله دارد.

لازم به ذکر است که آموزش فلسفه و فلسفیدن براي همه ی سطوح آموزشي، ضروري است. طبيعي است منظور از فلسفه، تنها آموزش فلسفه به صورت خاص نیست، بلکه طرح برنامه‌ی روشمندي است که به اقتضاي امکانات سني افراد بتواند ذهن آنان را به فعالیت برای درک منطق ستیزي ها، پاسخ یابي‌ها، پرسشگري وادارد. اما لازم به یادآوری است که براي اجراي این الگو در مدارس، نیاز به تغییرات اساسي در سیستم آموزشي مي باشد، زیرا، اول این که: مدرسه یک امر اجباري است و برداشت‌هاي اصلی «فلسفه براي کودکان» از یادگیري کودکان، فطري است و نه اجباري. دوم: مدارس عمومي، دانش را تلقین می‌کند، اما «فلسفه براي کودکان» آنها را به جستجوي معاني ترغیب مي‌کند. سوم: تفاوتي که آموزش و پرورش عمومي و برنامه‌ي «فلسفه براي کودکان» در دادن نقش‌ها به معلمان و دانش‌آموزان دارد، از جهات مختلفي بسیار مهم است و نهاد آموزش و پرورش باید این سه اصل را بدون این که موجودیت خود را به مخاطره بیندازد، در خود بپذیرد. مثلا این اصل که لازم نیست، کودکان را مجبور به یادگیري کرد، هسته‌ی اصلی تعلیم و تربیت است که به اکتساب معنا به وسیله ي دانش‌آموزان اهمیت می‌دهد و در آن، رابطه‌ی ایده آل میان معلمان و دانش‌آموزان، همکاري در یادگیري در حلقه‌ي کندوکاو است .

www.ketab.ir